



SEHIL\_GUILAN  
Instagram

# مرکز ثقل

بسیج دانشجویی پردیس امام علی (ع)  
دانشگاه فرهنگیان گیلان

۱۳ دی ۱۳۹۹

## در اولین شماره نشریه مرکز ثقل میخوانیم؛

- سلیمانی ها تربیت میکنیم؟ مصاحبه با چند تن از صاحب نظران تعلیم و تربیت
- انتشار سخنان خانم دکتر جمیله علم الهدی برای اولین بار
- او یک ملت بود؛ دل نوشته های دانش آموزان ابتدایی برای شهید سپهبد قاسم سلیمانی
- آثار دانشجو معلمان برای سالگرد شهادت شهید سپهبد قاسم سلیمانی

صاحب امتیاز؛

بسیج دانشجویی  
پردیس امام علی (ع)  
دانشگاه فرهنگیان گیلان

مدیر مسئول و سردبیر؛

علی علیزاده

هئیت تحریریه؛

شایان میرزایی-محمدجوان خان بابایی-علی علیزاده-

سپهر دارابی-سپهر رئوف

راه های ارتباطی؛

اینستاگرام: `seghl_guilan`

تلگرام: `cfu_basí`

## فهرست

۳.....	انتقام سخت در اندیشه ها
۱۰.....	شهید سلیمانی قله دستاورد های معنوی و انسانی انقلاب اسلامی
۱۳.....	مکتب اسلام
۱۶.....	چگونه سلیمانی ها تربیت کنیم؟
۲۰.....	مرد میدان
۲۲.....	اگر از آن شب پرحادثه گذر کردم
۲۳.....	آثار برگزیده
۲۶.....	او یک ملت بود
۲۹.....	دوستت دارم
۳۰.....	هنر مردان خدا

## انتقام سخت در اندیشه ها

سلام آقای حمید رفیعی، با توجه به شعار

سلیمانی ها تربیت میکنیم آیا میتوانیم اینکار را

انجام دهیم یا در حد همان شعار است؟

سلام، چند وقتی بعد از شهادت حاج قاسم عزیز شعار ما معلمان سلیمانی ها تربیت می کنیم در فضای مجازی رونق گرفت. از چند منظر می شود به این مسئله نگاه کرد که یکی از آن امکان این اتفاق هست که شما پرسیدید. اگر بخواهیم به شیوه تربیت شهید حاج قاسم سلیمانی یا افرادی مانند شهید محسن حججی (الگوهای که مظهري از مدل تربیتی اسلام هستند) نگاه کنیم و سیر تربیتی آنها را مورد بازخوانی قرار بدهیم، متوجه می شویم که بستر تربیتی این افراد که در دل نظام جمهوری اسلامی و نظام تربیتی اسلام اتفاق می افتد منجر به این اتفاق است. اما این نظام تعلیم و تربیت که از آن یاد می کنیم فقط محدود

به آموزش و پرورش رسمی یا مدرسه نیست بلکه این نظام تعلیم و تربیت در بستر جامعه رقم می خورد که در دل آن مسجد، پایگاه های بسیج، فعالیت های جهادی، خود جنگ تحمیلی و چالش هایی که برکشور حاکم شدند تاثیر داشته و به عبارتی تمام این اتفاقات بوده که تعلیم و تربیت را رقم زده است. حتی در این مسیر الگوهایی مانند حضرت امام(ره) و حضرت آقا نقش جدی داشته اند. به عبارتی اگر امروز شعاری هم جامعه معلمین ما در این حوزه سر می دهند، قطعاً برگرفته از تمامی این اتفاقات است. اگر نظام آموزشی ما در کنار دیگر نظام ها به این سمت حرکت کند میتوان گفت که نظام آموزشی و در کل نظام جمهوری اسلامی سلیمانی های زیادی تربیت خواهد کرد. اما اگه این اتفاق را فقط محدود به کلاس درس ببینیم غلط است. افرادی که این شعار را سر میدهند باید بدانند که بستر این اتفاق در بهبود نظام وضعیت آموزشی و نظام تعلیم و تربیت مان به سمت دیگر رقم میخورد. این نظام

آموزشی که امروز با آن مواجه هستیم، در پی تربیت سلیمانی ها نیست بلکه یک نظام تقلیدی وارد شده از غرب است که از ابتدا بدنبال حرکت دانش آموزان ما به سمت سکولاریسم و فاصله گرفتن از خدا و جدا کردن دین از امور دیگر زندگی است. بنابراین در مشی تربیت خود نمیخواهد حاج قاسمی را تربیت که همه چیز آن در بستر دین اتفاق می افتد. به همین دلیل ضرورت دارد معلمینی که این شعار را سر می دهند باید بدنبال تحول بنیادین آن هم بخصوص در فلسفه وجودی نظام آموزش و پرورش بروند. قاعدتا در این حوزه محور تربیت باید بیش از پیش مورد توجه قرار بگیرد و در این اتفاق ارتباط بیش از پیش خانه و مدرسه و مسجد رقم بخورد. باید در این اتفاق مدرسه بعنوان کانون محوری محله در کنار اتفاقاتی که در دلش می افتد یک بستر دیگری را رقم بزند که در این مسیر پیشگام باشد.

## آیا اشتباه نیست که انسان را مانند ماشین در نظر بگیریم؟ آیا با مبانی اسلامی و انسانی در تضاد نیست؟

زمانی که در اندیشه مان به تربیت سلیمانی ها اشاره می کنیم اساسا منظور ما تربیت انسان های شبیه به هم نیست بلکه ما داریم شهید سلیمانی را به مثابه فردی قلمداد می کنیم که نشان داده است مه تربیت یافته اسلام ناب محمدی است. ب عبارتی ما ایشان را الگوی آن تربیت ناب می بینیم و معتقدیم که اگر قرار است نظام آموزشی ما در حد مطلوب عمل کند باید منجر به تربیت افرادی مانند شهید سلیمانی شود. قاعدتا در این حوزه هیچ نگاه مکانیکی که بخواد نگاه های غربگرایانه که بدنبال شبیه سازی انسان هایی هستند که در بازار کار و نظام اقتصادی به فعالیت پردازند نیست چرا که این اتفاق با مبانی دینی ما در تضاد است. ما بدنبال همسان سازی یا ایجاد انسان های همشکلی که در بستر هر آنچه که آنها میخواهند را انجام بدهند نیستیم. به همین واسطه زمانی که اینگونه شعار می دهیم که برگرفته از مبانی دینی استو منظور و مصداق ما تربیت افرادی چون حاج قاسم نیست. حاج قاسم یک نظامی بود. آیا وقتی که می گوییم میخواهیم سلیمانی ها تربیت کنیم منظورمان اینست که افراد نظامی تربیت خواهیم کرد؟ خیر،

منظور افرادی است که از نظر مشی، اخلاق و دیگر منظرها آنطور که اسلام مدنظرش است تربیت شده باشند.

## آیا این شعار یک شعار کلیشه ای و دور از واقعیت نیست؟

من معتقدم که این شعار دور از واقعیت نیست چرا که انقلاب اسلامی، تجربه گذشته ما و اساسا دین اسلام و سبک و سیاق تربیتی ائمه اطهار نشان داده که به خوبی رخ می دهد. با توکل بر خداوند و اراده پولادین حتما اتفاق می افتد. بخصوص اگر اندیشه ناب محمدی در این بستر رخ بدهد شاهد اتفاقات عجیبی خواهیم بود. حتی در این بستر انسان هایی چون شهید سلیمانی و شهدای مدافع حرمی که خود حاج قاسم به وجودشان افتخار می کرده و در بیانات متعددی بر بزرگی آنها تاکید می کند، این ها نشانه های این اتفاق اند و قطعا نمی شود بر آنها چشم پوشی کرد. اما اینکه این اتفاق، اتفاق بزرگی است و باید برای رقم خوردن آن آمادگی ایجاد کرد، ورود کرد، نقش آفرینی و تلاش کرد و به سمت این بستر حرکت کرد و وضع موجود را بخوبی شناخت و وضع مطلوب را تشخیص داد و در مسیر این تحول آنطور که مقام معظم

رهبری میگوید گام برداشت. اما اینکه این مصداق را هم کلیشه و دور از واقعیت بخوانیم درست نیست. بلکه بنظر من تاکید بر این جریان می تواند دوستان را بر این حوزه ترغیب کند تا در این راستا تلاش جدی تری کنند. اما قطعا باید بدانیم که همه آنهایی که این شعار را سر میدهند از وضعیت موجود آموزش و پرورش و اتفاقاتی که در دل مدارس رخ میدهد آگاهند. اگر نگاه عمیق تر به این مسئله در یک لایه دیگر داشته باشیم و بصورت کل نگرانه به این جریان نگاه کنیم، قطعا نگاه و دیدگاه ما تغییر خواهد کرد.

## برای اینکه سلیمانی ها تربیت کنیم چه ملزومات و مختصات و ابزاری نیاز است؟

به نظر می رسد برای رقم زدن آنچه که از آن یاد کردیم باید حرکتمان را برمبنای تربیتی که در اسلام از آن یاد شده سوق دهیم و متناسب با گام دوم انقلاب اسلامی و در راستای رقم زدن سند تحول بنیادین و تمدن سازی که از آن یاد می کنیم، گام های اساسی را برداریم. این گام ها قطعا در بستر فهم عمیق تر مسئله و طراحی جدی میدان اتفاق می افتد. پس در

ابتدا فکر می‌کنم یکی از ملزومات تربیت سلیمانی‌ها، حرکت خود دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و معلمان کشورمان به سمت جریان تربیتی حاج قاسم و عبور از این جریان و این مکتب است که ابتدا بتوانند خودشان را متناسب با این شاخص‌ها پیرایش کنند و انشاءالله مقصود و حاصل و آنچه که کسب کردند را بتوانند به نسل نو دانش‌آموزان کشور منتقل کنند. نسلی که با وجود اینکه درگیر مخاطرات و نفوذ جدی بیگانگان در یکی از سخت‌ترین دوران تاریخ است، توانسته نشانه‌های برتر و نمادهای جدی از خود نشان بدهد. در این حوزه شاید پرداختن به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و رویکردهای موجود در آن بتواند راهگشای حرکت ما باشد.

**آیا آموزش و پرورش ما با حالت فعلی و یا حتی با اجرای سند تحول بنیادین می‌تواند این کار را انجام دهد؟**

این را باید به خوبی بدانیم که امروز وضعیت آموزش و پرورش ما، وضعیت خوب و

آرامی و مد نظر ما و مد نظر اسلام و متناسب با گام دوم انقلاب نیست. اما این را باید دید که جریان آموزش و پرورش ما از گذشته تا امروز دچار دگرگونی بزرگ و تحول اساسی شده که نمی‌شود بر آن‌ها چشم پوشید. حتی در این حوزه بنظر می‌رسد که باید عمیق‌تر نگاه کرد و نظام آموزش و پرورش را وسیع‌تر در کنار نظام تربیت عمومی به آن نگاه کرد یعنی این دو نظام تربیت رسمی و عمومی را بصورت یکپارچه به آن نگاه کرد. آن وقت است که شاید به توفیق این حوزه بشود نگریست. نظام آموزشی و تلفیق آن با مسجد و پایگاه بسیج و با فعالیت‌ها و کارگروه‌هایی که در حوزه قرآنی و مردمی فعالیت می‌کنند و در کنار آن ارتباط با دانشگاه و علم‌آموزی میتواند در این بستر کمک کند. اما این را باید به نیکی دانست که امروز برای رسیدن به آن اتفاق باید تلاش بسیاری کرد و آمادگی جدی ایجاد کرد. در این حوزه علاوه بر آمادگی فردی و گروهی باید یک هم‌افزایی ملی هم صورت بگیرد که در اینصورت است که این اتفاق بزرگ رخ می‌دهد. در این بستر نقش سند تحول بنیادین آموزش و پرورش هم پررنگ است اما پیش و بیش از آن انجام و تحقق آن

تحول اساسی مدنظر آقا مهم است که در آن مدل تربیتی خود ایشان بتواند موثر باشد و طرح هایی مثل سند تحول و راهبردهایی که بعد آن ممکن است ارائه شود در این مسیر راهگشا باشند.

### شهید سلیمانی تربیت شده چه مکتبی است؟

قطعا نمی شود مکتب حاج قاسم سلیمانی را خارج از مکتب ائمه اطهار و انقلاب اسلامی دید. به عبارتی اندیشه انقلاب اسلامی و اندیشه اسلام ناب و اندیشه ای که ائمه اطهار ترویج دادن امروز به مکتب سازی رو آورده است. مکتبی که امروز میتواند جمعیت وافری را دربر بگیرد و اندیشه خودش را ترویج کند. به نظر می رسد حاج قاسم که تربیت یافته این مکتب الهی است بخوبی توانست در این حوزه گام بردارد. قطعا در این حوزه ضروری است و ضرورت دارد هرکسی به حد توانش گام بردارد و بتواند مروج این اتفاق بزرگ باشد. در صورتی که ما بتوانیم مروج این اتفاق باشیم و با مدد آن دل های آزاده مسلمین و آزادگان جهان را به هم پیوند دهیم، میشود در راستای انتقام سخت از آن استفاده کرد.

آیا با آوردن شهید سلیمانی در کتب درسی می توان افرادی با اندیشه او تربیت کرد؟

به نظر من تنها نام آوردن و یاد کردن این شهید بزرگوار در کتب درسی کافی نیست و اساسا اگر این اتفاق و افزودن نام شهید به کتب درسی با یک برنامه ریزی درست و فهم درست از مسئله اتفاق نیافتد نه تنها مطلوب نیست بلکه آسیب زا است. به نظرم ما باید بیش از آنکه بر کتب درسی و محتوا درسی بپردازیم، براساس وضعیت آموزش و پرورش باید بر روی معلم بیناندیشیم. قطعا معلمین هستند که اگر از این خوان پر نعمت بهره برده باشند، بتوانند موثر باشند و این جریان تربیت و ترویج کنند. تنها در این بستر است که میتوانیم ادعا کنیم که توانستیم مکتب حاج قاسم را ترویج و افرادی متناسب با آن کتب تربیت کنیم.

**در پایان اگر چیزی جامانده و فکر می کنید نیاز است پرداخته شود بیان کنید.**

اما در بخش آخر به انتقام سخت بپردازم. من فکر میکنم که باید به این قضیه به نیکی نگریست که رقم خوردن انتقام سخت فقط از جنبه نظامی مقدور نیست بلکه این اتفاق به صورت جدی باید از طریق اندیشه ها اتفاق بی افتد. آقا انتقام سخت را خروج آمریکا از منطقه می دانند.



اما همانطور که امام هم فرمودند؛ امان از تربیت شدگان غرب! ما باید به نفوذ غرب در اندیشه ها فکر کنیم. بنظرم پیش از هر چیزی و هر اتفاقی، سخت ترین و دشوار ترین میدان مبارزه در این بستر، قطع کردن دست استکبار از دل و ذهن مردم کشورمان و یا حداقل کم کردن دسترسی آنان به این اندیشه ها باشد که در این حوزه ها معلمین و مدارس ما نقش ویژه ای دارند در نشان دادن چهره واقعی جریان استکبر آمریکا و اسرائیل. قطعاً در این صورت خواهد بود که کودکان و دانش آموزان ما نه تنها میتوانند بر این بستر تربیت بشوند و با بهره گیری از مدل های الگویی که یکی از راهبردهای جدی در راستای تربیت است بلکه میتوانند در این حوزه اندیشه غربی موجود در کشور را بیرون بیاورند و با ترویج یک اندیشه بدیلی که برگرفته از منویات خود امامین انقلاب باشد در این زمینه کارساز شود.

سپاسگزارم که زمانتان را در اختیار ما قرار دادید.

سعی کردم نکات کلی که به ذهنم آمد را گفته باشم. شرمندۀ بابت کم و کاستی ها.

مصاحبه کننده؛

جواد خان بابایی. دانشجو معلم الهیات ۹۸

## شهید سلیمانی؛ قله دستاوردهای

### معنوی و انسانی انقلاب اسلامی

گفتاری از دکتر جمیله علم‌الهدی (استاد دانشگاه

شهید بهشتی و پژوهشگر تعلیم و تربیت اسلامی)

ما در یک موقعیت تاریخی خاصی قرار داریم که در آن انقلاب اسلامی از گام اول به گام دوم گذر می‌کند و باید برای این گام دوم طراحی داشته باشیم. در برهه‌ای قرار داریم که موعد ارزش‌گذاری دستاوردهای انقلاب اسلامی رسیده است. در چنین زمانی که دستاوردهای انقلاب اسلامی زیر سؤال می‌رود، شهادت معجزه‌گونه سردار قاسم سلیمانی واقعاً یک نقطه عطف است، چون برجسته‌ترین و قله‌ی دستاوردهای انسانی و معنوی چهل سال اول انقلاب اسلامی را نشان می‌دهد؛ انسانی که تا بالاترین سطوح قابل تصور توانسته طی طریق کند.

از این رو لازم است در برنامه‌ریزی تربیتی برای گام دوم، به سه مؤلفه مطرح شده در بیانات حضرت آقا نسبت به این شهید عزیز تکیه کنیم. ایشان شهید سلیمانی را تربیت یافته‌ی «اسلام» و «مکتب امام خمینی» معرفی کردند، پس ملاحظه آموزه‌های امام در قالب یک مکتب تربیتی مهم

است. بعد رهبری خود این شهید را فراتر از یک فرد بلکه یک مکتب معرفی کردند[۱]؛ پس باید دید «مکتب سلیمانی» چیست؟

اصولاً تعلیم و تربیت اسلامی دو حوزه «ارزش‌های شخصی» و «ارزش‌های اجتماعی» را در برمی‌گیرد و چه‌بسا دومین حوزه مهم‌تر باشد. بر این اساس باید به مؤلفه‌های اصلی مکتب امام (ره) که بر همین نگاه استوار است، بازگشت؛ مکتبی که در آن عرفان، فقه، فلسفه و سیاست و حتی مبارزه با ظلم و جهاد یک جا جمع می‌شود. اسلام فقط به ارزش‌های اخلاق شخصی و تجربه‌های معنوی فرد تقلیل نمی‌یابد، بلکه نظام ارزش‌های اجتماعی‌اش به جدّ مورد توجه و عنایت است.

شهید سلیمانی به عنوان شاگرد این مکتب توانست جامع ارزش‌های اخلاق فردی و اجتماعی باشد و این امر اهمیت بسیار زیادی دارد، چون این وجه امتیاز «دین‌داری انقلابی» از «دین‌داری عافیت‌طلبانه» و هم از «انقلابی‌گری سکولار» است. ایشان نمونه موفقی از جمع بین معنویت دینی و جامعه‌گرایی ارائه کرده، عرفان را با سیاست و مبارزه گره زده است و در مقام عمل آن را در حوزه نظامی نیز اعمال می‌کند.

همچنین حاج قاسم «سرباز بدون مرز» است [۲]؛ ایده‌ی «جهان‌وطنی» که آن را می‌توان در اندیشه امام خمینی و رهبری دید. شهادت شهید سلیمانی نشان داد که قلمرو اثر او از ایران و حتی جهان شیعه و اسلام فراتر رفته است. به فرموده رهبری او و دیگر سربازان انقلاب اسلامی هر جایی که امر مقدسی در خطر است و یا ظلمی صورت می‌گیرد، وارد می‌شوند. یعنی گستره حضور ما هر جایی است که ارزش‌های کلیدی «قداست» و «عدالت» به خطر بیافتد.

این بیان رهبر معظم انقلاب ما را دعوت می‌کند که در گستره جهانی فکر کنیم و طراحی‌ها و برنامه‌ریزی‌های تربیتی را به این سو بکشانیم. زمانی سقف فکر ما طرح بحث «اتحادیه بین‌الادیانی» بود؛ اما اکنون حتی فراتر از ادیان، به برنامه‌ریزی تربیتی برای جهان دعوت می‌شویم.

باید بدانیم که شهادت سردار قاسم «سوخت حرکت اجتماعی» ماست و نشاط و تحرک را به دنبال باید داشته باشد، نه افسردگی اجتماعی و نه سرخوشی. اشک‌های سرازیر شده برای ایشان نشان از دلبستگی مردم به اوست که فرصتی را برای آغاز این حرکت با نشاط فراهم

می‌کند. این اشک‌ها و سوختن‌ها، نه فقط سوخت حرکت موشک‌های ماست که سوخت تحرک و نشاط جامعه ما برای تحقق عدالت و پرورش چنین کسانی است.

برنامه‌ریزی تربیتی در گام دوم باید به دنبال شناسایی چگونگی محقق ساختن مکتب امام (ره)، با رویکرد سلیمانی یعنی «جهاد بدون مرز» است.

حال سؤال این است که برجسته کردن و تبیین و تبلیغ این مکتب، بر عهده کیست؟ و راه آن چگونه است؟ جهاد ما همین فهمیدن و فهماندن و کشف همین چگونگی‌هاست و این کار «پژوهشگران تربیتی» و «معلمان» است [۳].

پانوشته‌ها:

[۱]. «ما بیاییم این حوادث را تقویم کنیم، قیمت‌گذاری کنیم، قدر آنها را بدانیم و ببینیم که اندازه و قیمت این حوادث چقدر است؛ در صورتی تحقق پیدا میکند که ما به حاج‌قاسم سلیمانی - شهید عزیز - و به ابومهدی - شهید عزیز - به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به آنها به چشم یک مکتب نگاه کنیم. سردار شهید عزیز ما را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه‌ی درس‌آموز، با این چشم نگاه کنیم آن وقت اهمّیت این قضیه روشن خواهد شد. قدر و قیمت

این قضیه روشن خواهد شد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷).

[۲]. «سپاه قدس یک نیرویی است که با سعه‌ی صدر به همه جا و همه کس نگاه می‌کند. رزمندگان بدون مرزند؛ رزمندگان بدون مرز. رزمندگانی که هر جا نیاز باشد، آنها در آنجا حضور پیدا می‌کنند؛ کرامت مستضعفان را حفظ می‌کنند، خود را بلاگردان مقدّسات و حریم‌های مقدّس می‌کنند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷).

این سخنرانی در مراسم اختتامیه دوره «حیات طیبه» برگزیدگان دانشجومعلم‌ان دانشگاه فرهنگیان در تاریخ ۸ بهمن ۱۳۹۸ در پردیس نسیم تهران ایراد شد که برای اولین بار بصورت عمومی منتشر شد.

در پایان از دکتر مجتبی همتی فر تشکر می‌کنیم که این مطالب را در اختیار ما قرار دادند.

## مکتب اسلام

مصاحبه با خانم دکتر زارع-مسئول  
بسیج اساتید دانشگاه فرهنگیان گیلان

سلام خانم دکتر زارع، با توجه به شعار  
سلیمانی ها تربیت میکنیم آیا میتوانیم  
اینکار را انجام دهیم یا در حد همان شعار  
است؟

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام. من معتقدم که می توانیم مانند سردار  
سلیمانی تربیت کنیم به شرط آنکه برای  
کاربردی کردن آموزه های دینی تلاش کنیم و  
به خدای متعال توکل داشته باشیم

سردار سلیمانی تربیت شده مکتب اسلام است  
و آنچه را که شنید و دید به گوش جان خرید  
و در خود پیاده نمود هم جهاد اکبر داشت و  
هم جهاد اصغر

و پذیرش دستورات معصومین و همچنین ولایت نائب  
امام عصر چه در عصر ، ادب ولایت پذیری ، باور عمیق  
،درک درست عمل به دستورات دینی شهید سلیمانی  
را به الگویی برای امت اسلامی تربیت کرده است ، امام  
چه در عصر رهبری

اگر ما به طور عمیق به مکتب اسلام و مکتب تسلیم  
در برابر اراده الهی و مکتب عبودیت است توجه داشته  
باشیم و در آن تامل کنیم می بینیم که شهیدان  
زیادی در این مکتب پرورش پیدا کردند و جان خود را  
تقدیم مسیر الهی نمودند

در عصر حاضر شهیدان بسیاری وجود دارند که  
خداوند متعال آنها را از گلستان خویش گلچین کرد و  
آنها را به رضوان خود نائل نمود

اگر ما به آنچه که از اسلام می دانیم عمل کنیم حتما  
به تربیت جنین انسان های موفق خواهیم شد هر  
چقدر به طول بکش د

شما میدانید که شهیدسلیمانی سالهای طولانی ای  
طول کشید به عنوان الگو برای جهان معرفی شود  
آیا آموزش و پرورش ما با حالت فعلی و یا حتی با  
اجرای سند تحول بنیادین می تواند این کار را  
انجام دهد؟

ما میتوانیم با توجه به سند تحول و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که در واقع دستورالعمل اجرایی آن سند است بر اساساً مطمئناً بند های سند تحول و سیاست گذاری هایی که شده انسان های وارسته ای را تربیت کنیم

سند تحول هم به بعد جسمانی انسان به هم به بعد روحانی او پرداخته یعنی هم به دنیا فکر کرده و هم برای آخرت برنامه ریزی دارد

مادیات و معنویات با هم در کنار هم مکمل یکدیگرند، به تعبیر دیگر حیات و ممات.

## آیا این شعار یک شعار کلیشه ای و دور از واقعیت نیست؟

انشالله که ما بتوانیم به آن عمل بکنیم که فقط در حد شعار باقی نماند در مرحله گفتن و شنیدن و نقشه و برنامه ریزی باقی نماند

مربی اول باید از خودش شروع کند و به خدا نزدیک شود بعد باید وارد حوزه تربیت شود اینگونه اثرگذاری بیشتر است

علاوه بر آن باید توجه داشته باشیم که جامعه دانشجویی و دانشآموزی علاوه بر اینکه یک معلم خوب نیازمند است باید بتواند به سطحی از

آگاهی به معرفت برسد که خوب و بد را از هم تشخیص دهد و بهانه تراشی نکند که چون فلان معلم کار اشتباه انجام داد و پس دیگر همه چیز از ریشه خراب است

البته ما منکر تاثیر منفی این گونه حرکات برخی از مربیان نیستیم ولی دانش آموز باید از راه درست پیروی کند

اگر انسان در مسیر عبودیت حرکت کند و آنچه را که خدا دستور داده به آن عمل نماید و وقتی که دنباله رو راه انبیا و ائمه باشد شهید سلیمانی ها تربیت خواهد شد

## آیا با آوردن شهید سلیمانی در کتب درسی می توان افرادی با اندیشه او تربیت کرد؟

قطعاً انسان ها صاحب اختیار و تعقل اند و اگر علمی به آنها آموزش داده می شود من باب یاد آوری است یعنی در وجود آنها نهفته شده است.

انسان فقط پرده برداری و کشف می کند

انسان می تواند رشد داشته باشد و رو به جلو حرکت کند چرا که سرآمد خلقت است

-اراده و تلاش متربی ۲ -مربی ۱ پس در اینجا  
دو چیز مهم است :

اگر مربیان در تعلیم و تربیت دارای وارستگی و  
تبحر و توکل باشند و متربیان بخواهند مسیر  
الهی را انتخاب نمایند حتما ما شهید سلیمانی  
ها خواهیم داشت.

مصاحبه کننده جواد خان بابایی

## چگونه سلیمانی ها تربیت کنیم؟

یادداشت دانشجویی-راضیه ناظری

### ویژگی های معلم و دانش آموز در مکتب حاج قاسم

چگونه فردی همچون شهید سلیمانی تربیت کنم؟ دانش آموز من در مکتب حاج قاسم باید چه ویژگی هایی داشته باشد؟ آیا صرف ارائه کتاب های درسی به دانش آموزانم، می توانم از آن ها توقع سلیمانی بودن و سلیمانی زیستن را داشته باشم؟

این سوالات و ده ها سوال مشابه از سیزدهم دی ماه پارسال که خبر شهادت حاج قاسم را شنیدم در ذهنم می گذشته و همچنان نیز می گذرد. از آن تاریخ تاکنون بنا به حس دغدغه و با سوزی که ناشی از شهادت این شهید بزرگوار در دلم حس می کردم بر آن شدم که تا حد توانم بیشتر از جواب های شعاری که ممکن است از این طرف و آن طرف بشنوم، به دنبال پاسخ این سوالات بروم و آگه به نتیجه ای درست و مناسب رسیدم سعی کنم آن را در اختیار دیگر دوستان و همکارانم نیز قرار دهم تا شاید بتوانیم در کنار

یکدیگر به تربیت نسلی که ادامه دهنده مسیر او باشند همت بگذاریم تا هم مرهم کوچکی بر زخم های التیام نیافته روح و قلب خود باشیم و هم به نوبه خود گیرنده بخشی از انتقام سخت شهادت ایشان از آمران و بانیان شهادت این شهید بزرگوار با تربیت ادامه دهندگان راهش و محقق کنندگان آرمان هایش باشیم، انشاءالله.

از زمستان پارسال تاکنون درباره حاج قاسم، ویژگی های او، رفتار ها و کردار هایش کتاب های زیادی خوانده و مطالب زیادی از مستند ها و مصاحبه و موارد گوناگون دیگر شنیده ام. در همه این ها و بیش از همه با توجه به وصیت نامه الهی-سیاسی خود آن شهید والامقام به این نتیجه رسیدم که او در ابتدا شاگرد بی نظیر مکتب امام خمینی (ره) بود و در آن نیز به جدی جلو رفت و قدم برداشت که خود تبدیل به مکتبی برآمده از دل آن شد و توانست تا قیامت اسوه ای نیکو و الگویی ماندگار برای همگان در قدم برداشتن در مسیر حق و حقیقت باشد.

آری حاج قاسم تربیت شده مکتبی بود که امام خمینی از آن به نام اسلام ناب محمدی یاد می کرد. این اسلام که



متفاوت از نسخه های خود ساخته دیگر از آن مثل اسلام متحجر و اسلام آمریکایی است، به نظر من ویژگی های فراوانی دارد که برای مطالعه و جست و جو در هر کدام از آن ها می توان از صدها کتب دینی و تربیتی بهره برد که اکنون مجالی برای توضیح و تفسیر آن ها نیست. ولیکن من با توجه به وسع مطالعه خود و حجم مطالبی که در این یکسال از آن ها بهره برده ام می توانم به دو ویژگی بسیار اساسی و کلیدی اشاره کنم که اگر ابتدا در خود ما و پس از آن در دانش آموزان تربیت شده توسط ما وجود داشته باشد می تواند به راستی منشا برکات زیادی برای خودمان و جامعه باشد. البته از این نکته نباید غفلت کرد که این ویژگی ها و راه های رسیدن به آن ها در معلمان و دانش آموزان هر کدام جای بحث و گفت و گوی فراوانی دارد و شاید این مطلب بتواند باب جدیدی از مطالعه و تحقیق در این حوزه های تربیتی را برای دوستان و همکاران مخاطب بگشاید که خود به دنبال تحقیقات بیشتر بروند و از

حوزه های معرفتی مهم تر آن ها بسیار عمیق تر و دقیق تر بهره مند بشوند.

ویژگی اول از نظر اینجانب در حوزه تربیتی اسلام ناب محمدی که الحق و الانصاف نیز حاج قاسم نمونه بسیار بارز و روشنی برای آن است، موضوع ادب است. ادب موضوعی است که در مطالعات تربیتی امروز ما در سطح بسیار نازلی به آن نگاه می شود. در حالیکه موضوع ادب امری است که در کلید واژه های تربیتی قرآن حرف اول را میزند. در آیه ۴۱ سوره طه خداوند خطاب به موسی کلیم می فرماید **وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي**. یعنی تو را برای خودم ساختم و پرورش دادم. به معنای دیگر تربیتی از دیدگاه قرآن صحیح و درست است که تنها خداوند هدف آن باشد و نه اینکه ما در کنار اهداف مادی پرورش انسانی در حوزه های اقتصادی و فرهنگی، خدا را نیز گوشه ای بگنجانیم تا تربیت مان رنگ و بوی اسلامی بگیرد و آن را در قالب آموزش و پرورش جمهوری اسلامی به مردمانمان عرضه کنیم. هم چنین در جای دیگر نیز پیامبر عظیم شان اسلام (ص) می فرمایند **أَدَبُنِي رَبِّي فَأَحْسَنَ تَأْدِيبِي**. یعنی رب من، مرا به نیکوترین شکل تأدیب کرد. که باز هم گویای این مطلب است که خداوند پیامبرانش را برای خود پرورش و تربیت می کرد و ما نیز اگر می خواهیم در همان مسیر قدم برداریم، باید

ویژگی ادب و به ویژه ادب حضور را ابتدا در خود تقویت کرده و پس از آن با استفاده از مفاهیم عینی تری از آن برای دانش آموزان همچون ادب به والدین، ادب به معلم، ادب به بزرگان دین، ادب به رهبر جامعه روح و جان آن ها را با این نکته که این عالم نیز محضر خداست و ما باید ادب حضور در این عالم را هم با گناه نکردن رعایت بکنیم، عادت و خو داده و آن را در اعماق وجودیشان بگنجانیم. هم چنین اگر بخواهیم برای هر کدام از این آداب نام برده برای دانش آموزان الگویی را مثال بزنیم، بی شک بهترین مورد باز هم خود شهید سلیمانی عزیز است. او که در هر نمایشی از رفتار و گفتارش می توانستیم ادب را به تمام و کمال حس بکنیم و به راستی که او نیز برای خدا و تنها در راه خدا تربیت پیدا کرده و مودب شده بود.

ویژگی دوم نیز که که همچون ویژگی قبلی از نظر من دارای اهمیت زیادی است توجه به مفهوم فتنه و شناخت آن در مفاهیم اسلامی و قرآن است. خداوند در آیه ۵۵ سوره بقره می فرماید **وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ**. یعنی که انسان ها به به پاره ای از سختی ها چون ترس و گرسنگی و نقصان اموال و نفوس و آفات زراعت آزموده می

شوند. این موارد در حوزه های فردی با کلمه ابتلا و در حوزه های اجتماعی با کلمه فتنه ها نام برده می شوند و البته که پیشرفت و اعتلای انسان نیز در گرو همین ابتلا و حوادث فتنه انگیز است که رخ می دهد. زیرا در این مواقع و لحظات است که انسان ها از پوسته ی ظاهری خود بیرون آمده و باطن خود را چه خوب و چه بد نشان می دهند و زمینه ساز عروج یا سقوط خود را فراهم می کنند. پس ما نیز به عنوان کسانی که می خواهیم زمینه ساز رشد و اعتلای آینده سازان این مملکت باشیم باید بتوانیم ابتدا این ویژگی را در خود ایجاد و تقویت کرده سپس دانش آموزانمان را نیز با این مفاهیم به خوبی آشنا کنیم و با قرار دادنشان در شرایط تصمیم گیری و حل مساله، از آن ها بخواهیم که با توجه به شرایط و با کمک از حجت های درونی و بیرونی در مواقع صحیح بهترین انتخاب ها را بکنند و پذیرای حق و درستی در هر حالتی باشند و به معنی واقعی کلمه حق جو و حق رو باشند. و در مورد معرفی الگو و نمونه نیز باز هم در اولین قدم به حاج قاسم سلیمانی و روحیه حق پذیری

او برمی خوریم. کسی که حق و حقیقت اسلام را از طریق امام خمینی به خوبی با دل و جان درک کرده بود و همین نیز باعث شده در تمام مراحل زندگی خویش چه در دوران جنگ و جهاد در داخل کشور و چه در دوران مقاومت و دفاع از حرم های اهل بیت در خارج از کشور با پیروی درست و بی نظیر خود از ایشان و امام خامنه ای همیشه حق را به خوبی تشخیص بدهد و اسیر فتنه های کوچک و بزرگ دنیوی نشود.

در آخر با تاکید مجدد بر یک نکته سخن خود را به پایان می رسانم و آن این است که مولفه های مکتب تربیتی اسلام ناب محمدی که حاج قاسم سلیمانی یکی از بهترین نمونه های وی در عصر حاضر است، بسیار گسترده و وسیع است و هر کدام از آن ها می تواند ویژگی های بسیار پسندیده و در عین حال مهمی برای بودن در خود ما و نسل های آینده باشد ولیکن این امر نیازمند کار و تلاش فراوانی است و همچنان که در ابتدا گفته شد در حوصله این مطلب نمی گنجد و بنده نیز در اینجا صرفا جهت تلنگر و یادآوری برای خود و دیگر دوستان به این

موضوع پرداختم، به این امید که مخاطبان در خود احساس نیاز کرده.

و هر چه بیشتر و بهتر به این مفاهیم بلند اسلامی بیندیشند و جست و جو درباره آن را سرلوحه کارهای مطالعاتی و تحقیقاتی خود قرار بدهند.

در پایان نیز امید دارم این سعی ناچیز من مرضی درگاه حق بوده باشد و موجب دعای خیر آن شهید بزرگوار برای من و سایر دوستان و همکارانم در انجام وظیفه های خطیر پیش رویمان باشد، انشاءالله.

راضیه ناظری

## مرد میدان

دل نوشته-زهره وزینی راغب

به نام خالق هستی بخش

مرد میدان

دروود بر سردار دلها، بزرگ مرد تاریخ عالم، علمدار  
خستگی ناپذیر جبهه ها، حبیب سپاه و فرمانده دل  
ها، حاج قاسم سلیمانی.

یکسال گذشت...

از بامداد تلخی که نوای سوزناک شهادت بر کرانه های  
کره ی خاکی مان پیچید... و چه لحظه ی غم آلود و  
نفس گیری بود...

ای جرعه نوش کوثر عاشورا...

چقدر زیباست حس بودندت در قلوب مردمان عاشق به  
مسیر و راهت، گویی چون چشمه خورشیدی جوشان،  
لحظه به لحظه پرتو می افکنی و از برکت نور خویش،  
عالمی را از پس ابرهای تیره و تار، روشن و بیدار می

سازی و به راستی مگر می شود مردانگی و وفای تو را  
به گردباد فراموشی سپرد؟!...

چه با شهامت و اقتدار توانستی پرچم آزادی را  
به دور از هر آن گونه تعصب و پرستش نژاد و  
زبان، بر فراز آسمان غبارآلود شهر های جنگ  
زده، به اوج برسانی و چه زیبا مفهوم انسانیت را  
بر رخ دنیای اهریمنی، زنده کردی و با اقتدار و  
شهامت که چشمانت گویای آن است، در دفاعی  
جانانه، حق مظلوم را از ظالم ستاندی ... در لبنان،  
سوریه، عراق و یمن و..

ای شکوه استقامت و پایداری، نامت تا ابد پاینده  
باد. به همراه یاران سلحشورت چون ستارگانی  
همیشه جاوید در راه ایثار و شهادت، بر تار و پود  
اوراق زمانه می درخشید و درس آزادی و  
جوانمردی را در مکتب حسینی نمایان می  
سازید. شهد شهادت گوارای وجودتان باشد، چرا  
که شهادت چیدن گل های خوشبو ست به  
دست خداوند تا معطر کند عرش کبریایی را.

باران، رسالت رویش را از ابرها به خاک منتقل  
کرده است و زمین وامدار طراوتی است که در  
آن به ودیعه سپرده

شده؛ همان ودیعه ای که خدا به  
پیامبرانش سپرده و همان ودیعه ای که  
شهید بر امتش می سپارد. راه پر فتوح  
شما هنوز ادامه دارد و بدان که تاریخ  
ایران به داشتن چنین بزرگ مردانی از  
تبار رشادت و بزرگ مردی مولا  
علی(علیه السلام) در مکتب سبز حقایق  
اسلامی به خود می بالد...

باشد که فرزندان این مرز و بوم، راه پر  
سعادت شما را ادامه دهند و با فانوس  
روشنایی بخش شما، با شهامت و اقتدار  
ایرانی، در عرصه های نبرد و ستیز با دشمنان  
میهن خویش، خوش درخشند و در راه حفظ  
و آبادانی سرزمین پر آوازه ایران، کوشا باشند  
ان شاء الله

زهرا وزینی راغب

دانشجوی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید  
باهنر همدان

## اگر از آن شب پر حادثه گذر کردم ...

شعر-ابوالفضل بیگدلی

بسم الله الرحمن الرحيم.

به لطف توست که دنیا پر التهاب نشد

که شام سوریه هرگز دلش کباب نشد

سپاه عاطفه ای تو... قسم به چشمانت

بدون مهر تو اسفند انقلاب نشد

تو کیستی که از عشقت شکست بغض ولی

که تاب دل به سر آمد، که ریخت خون دلی

نماد بارز احلی من العسل هستی

شهید زنده ی مایی، مثال بی مثلی

اگر از آن شب پر حادثه گذر کردم

اگر که ضد تو یک بار هم نظر کردم

اگر که گریه نکردم برای زخم تو من

به زخم سینه ی زهرا قسم ضرر کردم

دقیق حرمله های زمان تو را کشتند

به استناد بدی هایشان تو را کشتند

امیر با شرفانی، به خاطر شرفت

شبانہ بی شرفان جهان تو را کشتند

ببین حکایت دستش چو دست سقا شد

درست مثل علی اکبر ارباً اربا شد

اگر چه سخت شد این غم، غمت نباشد! چون

برای رجعتِ مولایمان مهیا شد

## تیکه ای از وصیت؛

نگین همت پور

از اصول مراقبت کنید. اصول  
یعنی ولی فقیه، خصوصاً این حکیم،  
مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان،  
معرفت؛ خامنه ای عزیز را عزیز جان  
خود بدانید حرمت او را حرمت مقدسات  
بدانید.

محمدجواد حسنی

امروز قرارگاه حسین بن علی، ایران است. بدانید  
جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر  
حرم‌ها می‌مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد،  
حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم  
محمدی(ص).


علی اخوان

خدایا! ثروت چشمانم، گوهر اشک بر حسین فاطمه  
است...



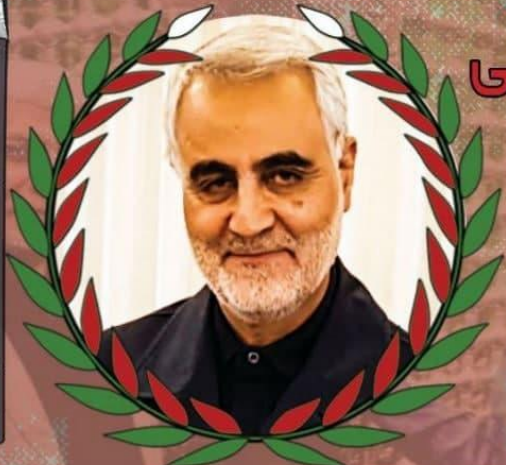
# محمد رضا میرسرایی - دانشجو معلم ابتدایی ۹۹

**پیام تسلیت امام خامنه‌ای برای شهادت حاج قاسم سلیمانی**



سایه‌ها بخت خداوند شهادت را بر عهده می‌دهد. این شهید را در راه خدا، سرانجام سلیمانی عزیز را به این مقام و آوارسید و خون پاک او به دست شقی‌ترین آحاد بشر بر زمین ریخت. این شهادت بزرگ را به پیشگاه حضرت باقر علیه السلام ارجاع داده و به روح مطهر خود اوستیگ و به عاتق ایران تسلیت عرض می‌کنم. اوستیگ بر جسدش از تربیت شدگان اسلام و مکتب امام خمینی بود. او همین عمر خود را به جهاد در راه خدا گذرانید. شهادت یادش تلاش بی‌وقفه، ولی انتقام سختی در انتظار جدیت‌کارانی است که دست‌نیاوردند. راه به خون او و دیگر شهیدانی حادثه‌ی شایسته است. شهید سلیمانی چهره‌ی بین‌المللی مقاومت است و همین دل‌بستگی‌ها مقاومت خونخواه است. همین دوستان - و نیز همین دشمنان - بدانند که جهاد مقاومت با انگیزه‌ی شایسته ادامه خواهد یافت و پیروزی قطعی در انتظار مجاهدان این راه مبارک است. فقدان سردار فداکار و عزیز ما تلخ است ولی ادامه‌ی مبارزه و دست یافتن به پیروزی‌هایی کام‌افشان و جدیت‌کاران را ناتوان خواهد کرد. عالت ایران یاد و نام شهید عالی مقام سردار شهید قاسم سلیمانی و شهیدان همراه او پیروز و مجاهد بزرگ اسلام جناب آقای ابومهدی المهدی را بزرگ خواهد داشت و اینجانب سه روز عزای عمومی در کشور اعلام می‌کنم و به همسر گرامی و فرزندان عزیز دیگر بستگان ایشان تسلیت می‌گویم.

**نگاهی گذرا به زندگی مجاهدانه سپهبد شهید قاسم سلیمانی**



**از تولد تا انقلاب**

حاج قاسم در ۴۰ اسفند سال ۱۳۳۶ در روستای قشقلک از توابع ایرکرمانچاهی متولد شد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی به کرمان رفت. پس از اخذ دیپلم به سمت افسر نظامی رفت و بعدها به عنوان پیمانکار اداره آب کرمان مشغول شد. از او سه دانشمندی به نام‌های شایسته به کتاب‌های حضرت امام آگشتا شد. بعدها به خاطر فعالیت‌های انقلابی و مبارزه با رژیم پهلوی از زمان انقلاب به رهبر سال‌ها در کرمان ماند.

**دوران دفاع مقدس**

با تصمیم یافتن شورشی در کردستان و آغاز جنگ راهی مناطق جنگی جنوب و فرمانده پادگان قدس شد. او از سال ۶۰ فرمانده پادگان آمل شد و در عملیات های والفجر، کربلای ۵ و چندین عملیات دیگر کارنامه موثری به جا گذاشت. او پس از پایان جنگ مشغول به مبارزه با منافقان در مناطق مرزی شد. در سال ۶۳ به تهران منتقل شد و به رهبری دومین فرمانده ای در کرمان به شهید مغنیه سبب رتبه شایسته مقاومت شدند.

**در جبهه مقاومت**

در سال ۸۹ به کوهان سوری رهبری جبهه سر لشکری ارتقا پیدا کردند. او در جنگ‌های ویژه علیه اسرائیل نقش بسیار مهمی داشت. در سال ۱۴۰۱ با ایجاد خطر دانش‌مهرانی و سوریه و فلسطین ایجاد نیروهای جهاد الحیا و شهادت‌مندی و اتحاد بین نیروهای مقاومت جبهه علیه داعش و التمسیر مقاومت شد. در آخرین روزهای تابستان در عراق اسماعیلیه در لنگرودگیان و عده یگان خاصه در رتبه‌های ۹۶ در نامه ری در پیوند داعش را اعلام نمود.

**از ترور تا شهادت**

به خاطر حضور مؤثر شهید در صحنه‌های مبارزه با داعش از جمله‌های فشار نظامی و اقتصادی که با فشار بر نشان نظامی ایران است. این شهید سلیمانی اهدا کردند. فعالیت‌های مجاهدانه و در جبهه مقاومت باعث گشته می‌شود که جبهه‌های مستعد به نشان شود. سرآوردن ۱۳۹ دی ماه ۱۴۰۱ ایشان به همسر امشید المهدی و سه دخترشان در فرودگاه خدام و راه‌های شهیدانهای آمریکایی قرار گرفتند و به شهادت رسیدند. بعد از این اتفاق دیگر شهیدان عراقی و ایران مواجعات شایع ۳۰ میلیون در چهار روز گرفت.



چه شما که به عنوان شیعه به آن اعتقاد دینی دارید و  
چه شما که به عنوان سنی اعتقاد عقلی دارید، بدانید  
[باید] به دور از هرگونه اختلاف، برای نجات اسلام خیمه  
ولایت را رها نکنید. خیمه، خیمه رسول الله است،  
اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش زدن و ویران کردن  
این خیمه است. دوران بچرخید، والله والله والله این خیمه اگر آسیب  
دید، بیت الله الحرام و مدینه حرم رسول الله و نجف، کربلا کافلمین،  
سامرا و مشهد باقی نمی ماند؛ قرآن آسیب می بیند.

بخشی از وصیت نامه  
شهید سید محمد قاسم سلیمانی

خطاب به خواهران و برادران مجاهد م:

# اگر خیمه جمهوری اسلامی آسیب ببیند، بیت الله الحرام و قرآن آسیب خواهد دید



## او یک ملت بود

دل نوشته

بسم رب الشهدا

کنند، بلکه از راه دور، با موشک، او را پرپر کردند .

آری؛ به همه بگوئید، که ما خواب بودیم و او رفت ...آری؛ جارچی خبر کنید، سردار رفت...آری؛ تبریک بگوئید، چون حاج قاسم، خیلی وقت پیش ها، آرزوی رفتن را در سینه داشت...

اما حاج قاسم؛ چگونه جشن بگیریم وقتی که علم دارمان رفت اما فقط جگر پاره پاره شده اش به دستمان رسید .

تا حداقل ساعاتی، چشم هایمان را در چشم هایت گره می ، تو که آسمانی بودی، ای کاش خبر میدادی که رفتنت، بازگشتی ندارد زدیم و نگاهت می کردیم .

پس اشک بریزید. همه! مرد و زن ندارد. همه گریه کنید و خون ببارید.

بعضی ها، دیر تو را شناختند اما وقتی رفتی، تازه فهمیدند چه گوهری را از دست داده اند.او همیشه آماده شهادت بود.از وقتی که جوان بود، تا وقتی که موهایش تک تک سفید شد. نه فقط

او یک قهرمان بود .قهرمان رویاها نه؛ قهرمان واقعی یک ملت .همان که تا نامش می آمد، خواب بر دشمنانش حرام میشد .

او حاج قاسم است. اسم او جهانی ست. یک قهرمان ایرانی! یک غنیمت که در طول سال هایی که برای وطنش خدمت کرد، دنیا او را شناخت. او مهربان بود؛ با کودکان، با بزرگسالان، با هر کس .

خنده هایش، قند را در دل های کودکان آب می کرد. اما، امان از روزی که دشمن لب باز می کرد..اخم هایش چنان در هم می رفت که حتی نگاهش هم ترس در دل دشمنانش می انداخت. تا وقتی که او بود، دشمنانش حتی دل این را نداشتند که کلمه ایران را به زبان بیاورند. اما چه کنیم که سرنوشت، اینگونه رقم خورد...

آنها که ترس از صدای او را داشتند، جرئت و لیاقت این را نداشتند که رو در رو با او مبارزه

پدر فرزندان، بلکه پدر تمام کودکان بود. او  
دلسوز بود. او سردار بود، او پدر بود اما گفت  
بنویسید: سرباز رفت.

چگونه بنویسیم سرباز رفت، وقتی که فرمانده مان  
رفت. اما دشمنان، بدانند، با رفتن حاج قاسم،  
حاج قاسم ها زنده شدند.

حاج قاسم یک نفر نبود، او، یک ملت بود ...

فاطمه رضانی پور-دانش آموز کلاس ششم  
ابتدایی-دبستان استقلال ۲





6 January 2018

۱۸ ربیع الثانی ۱۴۳۹

سردار سلیمانی بهترین شهید تو دنیا هست .  
سردار سلیمانی روح اون تو همه دل ها باقی مانده است  
و باقی جیه نده  
سردار سلیمانی خودش را فدا کرد برای این خاک تا  
ایران سالم باشد .  
سردار سلیمانی وقتی ما فواید بودیم به رحمت تو  
رفت اما روح آن تو دل ها زنده است .  
سردار سلیمانی هر بان ترین شهید در جهان بود  
ما خیلی سردار سلیمانی را دوست داریم .



۳۰ ۲۹ ۲۸ ۲۷ ۲۶ ۲۵ ۲۴ ۲۳ ۲۲ ۲۱ ۲۰ ۱۹ ۱۸ ۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

ثبت در استادی شاد و پر سلامتی علی انجمنه

بسم رب الشّهداء

من گویند شهادت هنر مردان خداست مردانی که مردمیال بودند

مردانی مثل سردار شهید حاج قاسم سلیمانی ... چه قدر نوشیدن

جام شهادت نوشیدین و گوارا بود؛ چرا که لباس شهادت تنها

لباسی بود که چیزی جز آن نمی توانست برارنده شماغیر مرد ایران

باشد ... سردار من بدان که این ملت بی دفاع نخواهد ماند و

مبارکت را ادامه خواهیم داد و مانند شما از ایران و انقلاب

دفاع خواهیم کرد ...

اللهمّ تجسّسی - کلاس چهارم